

رویکرد گوهر گرایانه به تکرر ادیان

(نقد و بررسی دیدگاه شلایرماخر در باب کثرت دینی)

ولی الله عباسی

نقد و تکرر ادیان، یک واقعیت است در واقع از نظرگاه پدیدار شناختی، تکرر دینی عبارت است از این واقعیت که تاریخ ادیان نمایانگر تعدد سنن و کثرتی از متفرعات هر یک از آنهاست.^(۱) اما از نظر فلسفی و معرفت شناختی، تکرر ادیان دارای تفاسیر گوناگون است^(۲) یکی از رویکردهای الهیاتی که در پاسخ به تنوع ادیان شکل گرفته است، رویکرد گوهر گرایانه است که ریشه در آثار فردریک شلایرماخر^(۳) (۱۷۶۸-۱۸۳۴) دارد، دیدگاه شلایرماخر دربارهٔ دین، اهمیت خاصی در فلسفه دین و الهیات جدید دارد، به طوری که می توان برخی از عناصر کثرت گرایی (پلورالیسم) دینی را در نوشته های او یافت، حتی جان هیک، مهمترین نظریه پرداز پلورالیسم دینی از افکار وی متأثر بوده است.

شلایرماخر مدافع یرتری مسیحیت نسبت به ادیان دیگر بود. با این همه او دین را ذاتاً امری شخصی و خصوصی می پنداشت. به نظر او گوهر دین نه در نظامهای اعتقاد دینی و نه در شکل های ظاهری دیگر، بلکه در روح انسان محو شده در احساس بدون واسطه بی نهایت، نهفته است. به نظر شلایرماخر، تجربه دینی باطنی، گوهر همه ادیان است. منشأ دین نه در معرفت و اخلاق بلکه در احساس بدون واسطه که خود پاسخی است به بی نهایت، پیدا

۱- ر.ک: جان هیک، «نقد و ادیان» دین پژوهشی، ویراسته میرجالباره، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، ص ۳۰۱.

۲- ر.ک: کیت باندل، کثرت گرایی دینی، ترجمه حسن رضایی، مجلد تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ص ۳ ص

می‌شود. این احساس در قالب ادیان تاریخی نمود می‌یابد و لوث می‌شود. از نظر شلایرماخر کثرت ادیان نتیجه احساسات و تجربیات دینی متنوع است و به همین دلیل، همه ادیان در بردارنده حقیقت الهی هستند. با این حال این ادیان بازتاب مراحل مختلف رشد معنوی هستند. از نظر او کاملترین شکل ایمان در مسیحیت یافت می‌شود. زیرا مسیح مصداق عالی‌ترین نوع ممکن تجربه دینی است و آن را به مسیحیانی که با او همدل هستند، منتقل می‌کند.^(۱) اما چنین نیست که ادیان دیگر باطل باشند، بلکه گوهر همه ادیان مشترک است و آن تجربه دینی است.

مفهوم تجربه دینی در نظریه شلایرماخر و البته سایر گوهر‌گرایان، عنصر محوری به شمار می‌رود و لذا برای اینکه به درک بهتری از دیدگاه گوهر‌گرایانه نسبت به ادیان برسیم، بهتر است تجربه دینی را مورد مطالعه قرار دهیم.

تجربه دینی

تجربه واقعه‌ای است که شخص از سر می‌گذراند (خواه به عنوان عامل و خواه به عنوان ناظر) و نسبت به آن آگاه و مطلع است. برای مثال، تجربه مسابقات جهانی بیسی‌بال، هم می‌تواند شرکت در آن مسابقات باشد، هم می‌تواند حضور در محل تماشای آنها باشد، و نیز اگر تجربه به معنای وسیع و مع‌الواسطه را منظور کنیم، می‌تواند دیدن آنها از طریق تلویزیون یا شنیدنشان از طریق رادیو باشد. ما تجربه‌های بسیار متنوعی داریم، اما در اینجا تجربه دینی مورد نظر ماست. تجربه دینی را غیر از تجربه‌های متعارف می‌دانند، یعنی شخص، متعلق این تجربه را موجود یا حضوری مافوق طبیعی می‌داند (یعنی خداوند یا تجلی خداوند در یک فعل)، یا آن را موجودی می‌انگارد که به نحوی با خداوند مربوط است، و یا آن را حقیقتی غایی می‌پندارد حقیقتی که توصیف‌ناپذیر است.^(۲)

ظهور مفهوم تجربه دینی به اواخر سده هجدهم بر می‌گردد که بیشتر از افکار شلایرماخر نشأت گرفته است این نظریه وقتی به بهترین وجه فهمیده می‌شود که در زمینه تاریخی مورد مطالعه قرار گیرد. توسلات سنتی به استدلال متافیزیک برای توجیه عقیده دینی با انتقادات

۱ - محمد لگنهاوزن، اسلام و کثرت‌گرایی دینی، ترجمه نرجس جواندل، موسسه طه، ص ۱۹.

۲ - مایکل پترسون و همکاران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، طرح نو، ص ۳۷-۳۸.

سلسله‌ای از متفکران از دکارت تا کانت. لطمه جدی دید. کتاب هیوم، به نام محاوراتی درباره دین عقلانی برهان نظم را که عده‌ای از تجربه‌گرایان می‌خواستند آن را جایگزین براهین کلامی مدرسی نمایند، از کار انداخت. نقادیه‌های کانت نیز هم توسل به متافیزیک و هم سنجش احتمالات براساس شواهد تجربی را به عنوان شیوه‌هایی برای عنایت به مسأله وجود خدا به طور موثر آسیب رساند. توسل به حجیت کلیسا یا متن کتاب مقدس برای توجیه عقیده دینی با مطالعه بسط تاریخی کتاب مقدس و کلیسای اولیه مشکل‌تر شد.

تمایل به آزادسازی عقیده و عمل دینی از اتکا به عقاید متافیزیک و نظامهای کلیسایی و برپایه تجربه انسانی نهادن آن، تا حد زیادی موجب شد که نوبت به تجربه دینی برسد.^(۱) و شلایرماخر نخستین کسی بود که تجربه دینی را در پاسخ به مسئله ذات فوق مطرح نمود. وی در گفتارهایی درباره دین خطاب به تحقیر کنندگان فرهیخته آن، به زندگی عموطف و احساسات بازگشت تا بتواند دین را بشناسد و آن را بنساید شلایرماخر خطیبی برجسته، مفسر کتاب مقدس، مترجم آثار افلاطون و استادی بود که از گروه هنرمندان رماتیک آلمان شناخته شده بود، هنرمندانی که همه توجه آنان بر عواطفی بود که بر آثار آنان غلبه یافته بود. او ادعا می‌کرد که دین، تنها موضوع اعتقادات یا تجهیز الهی قوانین اخلاقی نیست، بلکه ریشه در احساسات بارزی دارد که او آنها را به صورتهای متفاوت نامیده است؛ و «احساس اتکای مطلق»، «حس تمامیت» یا در یکی از آثار بعداش ایمان مسیحی، آن را «ذوق و حس امر نامتناهی» نام داده است. او می‌گوید، دریافت دینی، همانند تجربه تعالی، بدان گونه است که کانت توصیف می‌کند. به هر صورت، در حالی که از نظر کانت تجربه تعالی، سرانجام به ارزش انسانی می‌رسد، برای شلایرماخر، کلیدی از جهت ادراک خداست. او می‌گوید، در چهره عیسی مسیح، انسان می‌تواند خدا - آگاهی اسوه‌وار، یا شفافیت کامل در قبال الوهیت را مشاهده کند.^(۲)

توسط شلایرماخر دین توانست به بسیاری از مشکلات آن زمان پاسخ دهد. در مرحله اول دین از فلسفه و علوم مستقل گردید. دین، براساس تجربه شخصی، دارای قلمرو مخصوص خود شد و برای اثبات حقانیت خود احتیاجی به دلایل دیگر نداشت و خود دارای

۱ - وین پرودخوت، تجربه دینی، ترجمه عباس یزدانی ۷ موسسه طه، ص ۱۰

۲ - دین و فرهنگ، ویراسته میرجالیاد، ماهیت مترجمان، طرح نو، ص ۲۶۵ - ۲۶۶.

اعتبار گردید به علاوه مرکز و اساس دین از کتاب مقدس به قلب ایماندار انتقال یافت. نقادی کتاب مقدس دیگر نمی‌توانست به مسیحیت لطمه‌ای بزند زیرا پیام اصلی کتاب مقدس آن است که با فرد سخن می‌گوید و بعد از نقادی به طور روشن‌تری سخن می‌گوید زیرا نقادی باعث شده است که بتوانیم پیام کتاب مقدس را بهتر درک نماییم.

به‌علاوه برای سایر ادیان مشکلی ایجاد نمی‌کند زیرا در آنها هم احساس حضور خدا و وجود دارد ممکن است اعتقادات ادیان با یکدیگر تفاوت داشته باشند ولی در تمام آنها تجربه مشترکی وجود دارد. جای تعجب نیست که شلایرماخر توسط عده‌ای به عنوان ناجی دین ستوده شد ولی بسیاری از اعتقادات او برای راست دینی مسیحی خوشایند نبود.^(۱) در واقع با این طرح ابتکاری که او عرضه کرد بسیاری از اصول و عقاید مسیحی که ریشه در تجربه بی‌واسطه و مستقیم مومنان نداشت، مثل بکرزایی و تولد اعجاز‌آمیز حضرت مسیحی، خارج از محدوده گزاره‌های کلامی قرار می‌گرفت و این به نوبه خود انتقادهای زیادی را متوجه شلایرماخر می‌ساخت. از سوی دیگر، شلایرماخر ادعا و اصرار می‌کرد که دین مسیح با تمامی ادیان دیگر متفاوت و متمایز است.

زیرا در این دین همه چیز به «مسأله آموزش از طریق عیسی مسیح» بر می‌گردد و این موضع در کانون دیانت مسیح قرار داشته و آن را از تمامی ادیان ممتاز می‌سازد. اعتبار و مرجعیت دینی را هیچ‌گاه نمی‌توان از بیرون تحمیل کرد، بلکه از درون خود جامعه مسیحی می‌جوشد.^(۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

گوهر دین و تکثر ادیان

نظریه گوهر دین معمولاً به موازات نظریه گوهر مسیحیت ساخته و پرداخته شده است. اقوال مطرح شده درباره گوهر دین برای متکلمان پروتستان بین فرقه‌ای در مسیحیت سود برند و نیز تحولات جاری در کلیسای جهان معاصر را نسبی جلوه دهند.

نویسندگان مسیحی قرن نوزدهم که نظریه‌های گوناگون درباره گوهر دین مطرح کرده‌اند، غالباً نوعی دفاع تکاملی مسیحیت را نیز مطرح کرده‌اند (یعنی دفاع از این نظر که مسیحیت

۱. ویلیام هوردن، راهنمای الهیات پروتستان، ترجمه طاهوس میکانیلیان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۴۱-۴۲.

۲. ج. ه. لیث و دیگران، مقدمه‌ای بر الهیات معاصر، ترجمه و ندرین همایون همتی، انتشارات نقش جهان، ص ۴۹.

کاملترین دین است). این نکته هم در آثار هگل و هم در آثار شلایرماخر به چشم می‌خورد، هر چند آرای آن دو درباره گوهر دین متفاوت است. به نظر هگل مسیحیت کاملترین دین است؛ زیرا او دین را فی‌نفسه ظهوری و متعالی در تاریخ می‌داند، و کاملترین تجلی و ظهور قابل تصور، طول یا تجسد است.

از سوی دیگر، آنچه که مسیحیت را به نظر شلایرماخر با عظمت جلوه می‌دهد، تجربه دینی از تجسد الهی است که به وسیله کلیسا اشاعه می‌شود. برای چنین متفکرانی، کاملترین تجلی گوهر دین در مسیحیت یافت می‌شود و ادیان دیگر مراحل ابتدایی مسیحیت محسوب می‌شوند. اسلام برای کسانی با این طرز تفکر، مشکل‌ساز است، زیرا اسلام بعد از مسیحیت آمده است. اما آنها درباره این مسأله بدین گونه اظهار نظر می‌کنند که چون فهم و ادراک صحیحی از مسیحیت در میان اعراب قبل از اسلام وجود نداشت، بنابراین اسلام می‌توانست در میان اعراب به منزله مقدمه‌ای برای مسیحیت محسوب شود.^(۱)

از نظر شلایرماخر، تصور دین به عنوان یک ذات متعالی شرط ضروری وجود ادیان تاریخی است و این ادیان را می‌توان مظاهر واقعی صورت اصلی دین، خودآگاهی دینی بی‌میانجی و احساس و شوق به بیکرانه دانست. ادیان جزئی زائد و غیر ضروری نیستند، بلکه تکثر ادیان برای ظهور تام و تمام وحدت متعالی دین ضروری است. از آنجا که هر دینی بهره‌ای از گوهر دینی را در بردارد، از این رو ادیان تاریخی را تا اندازه‌ای که در میان گوهر یا صورت اولیه دین توفیق داشته باشند، می‌توان تا حدودی درست دانست. به‌گفته شلایرماخر، کثرت ادیان تاریخی یا مثبت^(۲)، نتیجه مستقیم فعالیت روح القدس است. و با اینکه اکثر محتویات آنها دست‌خوش تعریف و تغییر می‌شود، کم و بیش بهره‌ای از ماهیت حقیقی دین دارند. ادیان را می‌توان به لحاظ اهمیت با یک معیار طولی‌ای مرتب کرد که با تحول تکاملی خودآگاهی دینی انسان در ارتباط است و از به اصطلاح اشکال و صور ابتدایی پرستش طبیعت و بت آغاز شده و از طریق چندگانه پرستی به یکتاپرستی می‌رسد اسلام، یهودیت و مسیحیت نماینده‌های اصلی ادیان توحیدی تلقی می‌شوند، لکن به نظر شلایرماخر از میان

۱ - محمد لگنهاوزن، اسلام و کثرت‌گرایی دینی، ص ۲۱-۲۲.

۲ - منظور از دین مثبت، دینی است که چگونگی رابطه ذاتی خدا و انسان را بیان کند. دین مثبت یا رسمی دینی است که صورتی وحدت بخش داشته باشد. مانند دین مسیحیت.

ادیان مثبت، مسیحیت متعالی‌ترین، شکوهمندترین، نافذترین، کاملترین و پیشرفته‌ترین صورت دین است. به نظر او، مسیحیت کمال تحول دینی بشر و نقطه اوج پیشرفت تدریجی و سیر تکاملی از صورت پایین‌تر به صورت بالاتر تجربه دینی است، با این همه، او تصدیق می‌کند سازگاری همه اشیا با انسان به گونه‌ای است که امکان اشکال زیباتر و تحسین برانگیزتر دین را نمی‌توان رد کرد یا نادیده گرفت.^(۱)

به نظر شلایرماخر، گوهر اولیه دین در قالب بی‌ارزش ادیان زمینی ظاهر شده است. در گوهر هر دین واقعی، صورت متمایزی از دین ولو به طور مغشوش وجود دارد، برای مثال اعلا و کامل دین، کثرت ادیان زمینی ضروری است. این گفته درست است که ادیان واقعی مشحون از امور غیر دینی است و با عناصری همچون عاداتهای پوچ و بی‌معنا، تصورات انتزاعی و دعاوی صدق مطلق مشخص می‌شوند. که باید در حذفشان کوشید، ولی با این همه آنها صوری از دین‌اند و متضمن قسمت اعظم ماهیت حقیقی دین‌اند. هر دین تاریخی، صورت متفاوتی از دین است و طریقی است که آن را آشکار می‌سازد. زیرا دین کانون رابطه انسان با خدایی است که به طرق مختلف درک می‌شود. هیچ دین عام و مطلق وجود ندارد که برای همگان طبیعی باشد. افراد به لحاظ آمادگی پذیرش تجارب و احساسات دینی مختلف متفاوتند. از مخالفت با تکثر دینی باید احتراز جست، هر کسی حق دارد دین خود را تکامل بخشد، هر چند اکثر مردم صورتی از ادیان موجود را انتخاب می‌کنند که با احساسات‌شان منطبق باشد. با این بیان همه ادیان به یک میزان جزئی و شخصی‌اند.^(۲)

نقد و بررسی

رویکرد گوهر‌گرایانه نسبت به تکثر ادیان، اشکالات فراوانی دارد که در اینجا به برخی از آنها می‌پردازیم. از آنجا که مفهوم تجربه دینی در اندیشه گوهر‌گرایان نقش کلیدی را ایفا می‌کند و تجربه دینی را به عنوان گوهر تمامی ادیان معرفی می‌کنند، برخی از انتقادات نسبت به این دیدگاه را ذکر می‌کنیم.

۱- براساس این نظریه، تأملات فلسفی و کلامی از نتایج و تبعات ثانوی تجربه دینی به

۱- گلین ریچاردز، به سوی الهیات ناظر به همه ادیان، ترجمه رضا گندمی و احمد رضا مفتاح، انتشارات مرکز مطالعات و

شمار می‌روند و از آن سرچشمه می‌گیرند. اگر تجربه دینی در کار نباشد، مباحث فلسفی و کلامی هم وجود نخواهد داشت، مشکل اصلی نظریه یاد شده این است که چگونه می‌توان از احساسات غیر معرفتی، ادعاهای صدق و کذب برداری را که در فلسفه دینی و الهیات یافت می‌شوند به دست آورند؟

تجربه‌گرایان (گوهرگرایان) بر این باورند که می‌توان از تجربه دینی عقاید و نظریه‌های ناظر به واقع را نتیجه گرفت، در حالی که «امر مجرب و تجربه، هر دو بیان ناپذیرند و اگر تجربه چندان بنیادین است که از حد تمایزات معرفتی فراتر می‌رود، پس حقایق دینی چگونه نتیجه می‌دهد؟ اگر بگوئیم چنین تجربه‌ای را به مدد تمایل توصیف کنیم، باز هم از پیش، فرض کرده‌ایم که می‌توانیم درک معرفت بخشی از آن واقعه داشته باشیم، و بنابراین، شخص می‌تواند دریابد کدام یک از تمایلهای آن تجربه متناسب است و کدام یک متناسب نیست.»^(۱)

۲- یکی از محصولات مهم معرفت‌شناسی معاصر این است که «تجربه بدون تفسیر محال است» و هیچ تجربه‌ای عاری از تفسیر وجود ندارد. براساس این اصل که به خوبی خودش را در بحث گوهر دین و تجربه دینی نشان داده است، هیچ تجربه ناب و خالص (عاری از تفاسیر) وجود ندارد. نه تجربه حسی و نه تجربه دینی و عرفانی - آن‌گونه که شلایرماخر به آن قائل است - هیچ کدام بدون وجود مفاهیم و پیش زمینه‌ها قابل حصول نیستند.

یکی از کسانی که در موضع مقابل گوهرگرایان که مدعی وجود هسته مشترک هستند، قرار گرفته است، استیون کتز (۱۹۴۴) می‌باشد. وی معتقد است که هیچ تجربه‌ای بدون واسطه مفاهیم و اعتقادات حاصل نمی‌شود. تمام تجارب از طریق عقاید و مقولات اکتسابی و چارچوب مفهومی شخص تجربه‌گر محقق می‌شوند.^(۲) «هیچ تجربه ناب (یعنی بی‌واسطه) وجود ندارد. نه تجربه عرفانی و نه گونه‌های عادی‌تر تجربه، هیچ یک شاهد یا دلیلی بر بی‌واسطه بودن این تجارب به دست نمی‌دهند. یعنی هر تجربه‌ای به شیوه‌های معرفت‌شناختی به غایت پیچیده‌ای پیش می‌رود، سامان می‌یابد و خود را در دسترس ما قرار می‌دهد. مفهوم تجربه بی‌واسطه اگر هم تناقض‌آمیز نباشد، در بهترین حالت، مفهومی تهی

۱ مایکل پترسون و همکاران، عقل و اعتقاد دینی، ص ۲۳.

۲ ولی‌ا. عباسی، پدیدارشناسی، تجربه‌گرایی دینی و گوهر دین، اندیشه حوزه، ش ۳۵، ص ۳۶، ص ۲۹۴.

است. این واقعیت معرفت‌شناختی به دلیل آن‌گونه موجوداتی که ما هستیم، حتی در مورد تجربه متعلقات غایی دلبستگی مانند خدا، وجود مطلق، نیروانا و غیره که موضوع بحث عارفان است صدق می‌کند.^(۱)

به دلیل وجود چنین مفاهیم و مقولاتی است که دو تجربه‌گری که در دو سنت مختلف قرار دارند، دو نوع تجربه متضاد را از سر می‌گذرانند، مثلاً یک عارف مسیحی، «مریم باکره» را تجربه می‌کند، در حالی که عرفای متعلق به سنت‌های دیگر، چیزهای دیگر را تجربه می‌کنند^(۲) و لذا هیچ وجه اشتراکی میان تجارب آنان وجود ندارد.

۳- اشکال دیگری که بر این دیدگاه وارد است این است که نسبت به ماهیت هسته مشترک توافق نظر وجود ندارد. افزون بر این، علاوه بر تنوع میان سنت‌های دینی، در درون هر سنت دینی هم، تنوع زیادی به چشم می‌خورد. دین جهانی معتدل می‌بایست بر تجارب خصوصی و تصورات انتزاعی استوار باشد که از مجموعه خاطرات تاریخی، مناسک و سرگذشت‌های گروهی الگوهای رفتاری مخصوص جوامع دینی موجود تجرید شده‌اند.^(۳) گوهرگرایان هر کدام تقریر متفاوتی از گوهر مشترک ادیان ارائه می‌کنند، مثلاً شلایرماخر گوهر دین را نوعی تجربه دینی که از آن به احساس وابستگی مطلق تعبیر می‌کند، معرفی می‌کند در حالی که دیگر گوهرگرایان چیز دیگری را به عنوان گوهر ادیان معرفی می‌کنند. بدین ترتیب ما به گوهرهای متعددی روبرو خواهیم شد در حالی که ادعا این بود که فقط یک گوهر وجود دارد و همه ادیان در آن مشترکند نه چند گوهر متفاوت!

۴- نظریه گوهرگرایانه شلایرماخر با اینکه از تحویل و تقلیل دادن (Reduction) دین به اخلاق و.. مخالف است، خود دچار خطای تحویل‌گرایی شده است و دین را که دارای ابعاد و اضلاع مختلفی است به یک بُعد آن، یعنی بُعد تجربی و درونی دین فرو کاسته است و آن را به عنوان گوهر دین معرفی می‌کند.

۱. نقل از: چارلز تالیافرو، فلسفه دین در قرن بیستم. ترجمه انشاء... رحمنی، انتشارات مهروردی، ص ۴۵۶

۲. رک: آلن پی. اف سال، تاریخ فلسفه دین، ترجمه حمیدرضا آیت‌اللهی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۲۰۳.

۳. این اشغال را ایان باربور در کتاب «دین در عصر: انش» متذکر شده است. رک: ایان باربور، پلورالیزم دینی. ترجمه رضا

گندمی، دین پژوهن، ش ۱، ص ۶۷.